روزنه

شهادت سردار سلیمانی ثابت کرد

ایران، فصل مشترک جناح‌های سیاسی

مهرشاد ایمانی

● دو بزنگاه مهم سیاست خارجی یعنی اضافه‌کردن نام سپاه پاسداران به فهرست سازمان‌های تروریستی از سوی آمریکا و شهادت سردار قاسم سلیمانی بازهم به دست آمریکا علاوه بر پیام‌های مهم نظامی و دیپلماتیک یک پیام مهم در سیاست داخلی ایران داشت و آن اشتراک تمام‌عیار همه نیروهای سیاسی بر سر منافع ملی است. به یاد داریم هنگامی که آمریکا سپاه را تروریست دانست، بیشتر فعالان و تحلیلگران سیاسی ایران، اقدام آمریکا را نکوهش کردند و آن را غیرعقلانی دانستند و گفتند امکان تروریستی‌خواندن کل یا بخشی از نیروی نظامی کشورها وجود ندارد. این گزاره نه‌فقط از دهان اصولگرایان بلکه از سوی نیروهای اصلاح‌طلب هم شنیده شد و حتی تمام نمایندگان مجلس در یک روز مشخص در حمایت از سپاه، لباس این نهاد نظامی را بر تن کردند یا در چند روز اخیر وقتی به پیام‌های تسلیت شخصیت‌ها نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که جبهه‌بندی سیاسی در محکوم‌کردن آمریکا هیچ تأثیری نداشت و از اصولگراترین تا اصلاح‌طلب‌ترین شخصیت‌های سیاسی اقدام آمریکا را مصداق بارز نقض قوانین بین‌المللی و یک ترور آشکار دانستند یا درباره مواجهه با آمریکا هیچ‌کس تردیدی وارد نکرد و اگر بحث‌هایی وجود داشت، بر سر نوع و شکل آن بود؛ به‌نحوی که عمدتا خواستار برخورد نظامی شدند و برخی هم اتخاذ تصمیم سیاسی و حقوقی علیه آمریکا را درست قلمداد کردند. دیگر آنکه نه‌تنها تمام نیروهای جبهه‌های سیاسی داخلی موضعشان در قبال شهادت سردار سلیمانی واحد بود، بلکه حتی بخشی از جامعه روشنفکری هم در محکومیت آمریکا همان نظری را اعلام کردند که سیاسیون داشتند؛ به‌نحوی‌که دو روز پیش محمود دولت‌آبادی در روزنامه «ایران» نوشت: «به پا گر خلد خاری آسان برآید/ چه سازم به خاری که در دل نشیند. از لحظه‌ای که خبر فاجعه ترور سردار قاسم سلیمانی را شنیدم، مفهوم این عبارات بالا ذهنم را رها نمی‌کند: چه سازم به خاری که در دل نشیند؟ و از خود می‌پرسم آیا این است سرنوشت همه فرزندان شایسته این آب و خاک، با هر اندیشه و هر گرایشی؟ انهدام؟ باری... ایران بار دیگر یکی از فرزندان شایسته خود را با دریغ تمام، از دست داد. شخصیتی که سدی سترگ در برابر خون‌آشامان داعش برآورد و مرزهای کشور ما را از نکبت حضور آنان ایمن داشت. من نیز در اندوه عمیق ازدست‌دادن آن انسانی که شخصا دورادور دوست می‌داشتمش، سوگوارم». علی نصیریان هم گفت: «رفتار کسانی که ناجوانمردانه خون این سردار بزرگ ایران را به زمین ریختند، از یادها نخواهد رفت... بغضم اجازه نمی‌دهد بیش از این درباره این شهید والامقام، سردار قاسم سلیمانی سخن بگویم».

با ذکر این مهم می‌توان دریافت که حتی فراتر از شهادت سردار سلیمانی، فصل مشترک تمام شخصیت‌های سیاسی و حتی روشنفکری، منافع ملی است، زیرا قریب به اتفاق ایشان باور دارند که سردار قاسم سلیمانی برای تأمین منافع منطقه و به‌طور غیرمستقیم منافع ایران خارج از مرزها فعالیت می‌کرد و این سخن که او و هم‌رزم‌هایش جنگ را به کیلومترها بیرون از ایران برده بودند، از جمع متکثری از شخصیت‌ها شنیده شده است. چنین حالتی سال‌ها پیش یعنی هنگام جنگ ایران و عراق هم مشاهده می‌شد و از یاد نمی‌رود زمانی که همه نیروها بر دفاع از میهن تأکید می‌کردند و حتی برخی در شرایطی پا به میدان نبرد گذاشتند که با رویکرد داخلی مسئولان وقت زاویه‌های مهمی داشتند. تمام نیروهای سیاسی بر وجه سلبی این حالت هم اتفاق نظر دارند.

گرچه در تاریخ ۴۰ساله انقلاب این مفهوم معمولا از پسِ رخدادهای تلخ دیپلماتیک متبادر شده اما به‌هرروی یک نتیجه قطعی را عیان کرده است که دوست و غیردوست افراد صرفا در مواجهه با منافع ملی سنجیده می‌شود و این دوگانه به‌دلیل آنکه تمام نیروهای سیاسی بر مفاهیم اصلی و کلی اشتراک دارند، در حوزه سیاسیِ داخلی صرفا در دعوای قدرت ایجاد می‌شود و امری ذاتی نیست؛ اما این قطعیت در قضاوت کنشگری‌های کنشگران داخلی صادق نیست؛ برای مثال شاید از دید اصولگرایانِ سنت‌گرای سیاسی روشنفکری مانند دولت‌آبادی خودی محسوب نشود، اما او در منظر ملی خودی است، زیرا در دفاع از یادداشتش می‌گوید: «توجه من فقط به موضوع تمامیت ارضی بوده است. دو نکته جزء پرنسیب‌های من بوده است؛ مردم و مرزهای ایران. او (سردار سلیمانی) و نظامیان زیردستش داعش را از مرزهای ما دور کردند. این برای من بسیار اهمیت داشت».

politics@sharghdaily.ir

حسین امیرعبداللهیان، معاون امور بین‌الملل مجلس درباره راهبرد پیش‌روی جمهوری اسلامی مطرح کرد

حداکثر خویشتن‌داری در کنار حفظ حداکثری اقتدار و امنیت ملی کشور

عکس: سهند تاکی، شرق

زینب اسماعیلی: حسین امیرعبداللهیان از سال ۷۰ در وزارت خارجه مشغول به کار شده و دوره‌ای دیپلمات ایران در بغداد بوده است. او سال‌های دولت احمدی‌نژاد و بخشی از دولت روحانی، معاونت عربی وزارت خارجه را بر عهده داشت و به واسطه این مسئولیت، ارتباط تنگاتنگی با سپاه قدس داشته است. آنچه در سوریه، لبنان و یمن می‌گذشت، همیشه در وزارت خارجه و سپاه قدس و نهاد بالادست، یعنی شورای عالی امنیت ملی، در حال بررسی بوده است. او اکنون معاون امور بین‌الملل مجلس شورای اسلامی است؛ اما همیشه او را به‌عنوان دیپلماتی نزدیک به سپاه قدس معرفی می‌کنند. اگرچه خودش می‌گوید هیچ‌گاه عضو این نهاد نبوده، پیش‌تر در مصاحبه‌ای که با او داشتم، دراین‌باره این‌گونه توضیح داده بود: «من با سردار سلیمانی و تیمی که در حوزه سیاست خارجی و امنیتی کشور فعالیت می‌کنند، از سال ۷۰- ۷۱ که وارد وزارت خارجه شدم، ارتباط داشتم که به تحولات عراق و ارتباط سردار سلیمانی با پرونده عراق و همچنین ارتباط مستقیم بخش‌های سیاسی - امنیتی کشورمان با تحولات عراق برمی‌گردد». او که در دوره‌ای حساس معاون عربی وزارت خارجه بود، در مصاحبه‌ای که ۱۹ مرداد ۹۶ در «شرق» منتشر شد، درباره نحوه همکاری خود در معاونت عربی با سپاه قدس این‌گونه توضیح داد: «در موضوعات حساس امنیتی- سیاسی، هر زمان که در وزارت خارجه می‌خواستم به مذاکره‌ای دوجانبه یا چندجانبه برای سوریه، عراق و درباره مسائل اساسی منطقه بروم، پس از برگزاری جلسات کارشناسی با مدیران و کارشناسان سیاسی، بین‌المللی و حقوقی وزارت خارجه و اخذ راهبردها از دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، حتما اول با وزیر خارجه صحبت می‌کردم. سپس در موضوعاتی که در حوزه سردار سلیمانی بود، نظر سردار سلیمانی را گرفته و در جریان آخرین تحولات قرار می‌گرفتم و از مشورت‌های ایشان استفاده می‌کردم. ... شما وقتی به‌عنوان یک دیپلمات می‌توانید موفق باشید که حرفی را که در زمان مذاکرات می‌زنید، بتوانید اجرا کنید. بالاخره باید در آخر مذاکره دستاورد مشخصی داشته باشید و طرف مقابل احساس کند اگر به یک توافق رسیدید، این توافق می‌تواند اجرا شود. این هماهنگی با مسئولان ذی‌ربط به من خیلی کمک می‌کرد. ... یک‌سری مسائل در حوزه امنیت ملی در اختیار وزارت اطلاعات است؛ شما وقتی با آنها هماهنگی داشته باشید، نظرات آنها را بگیرید و بدانید این حرفی که می‌زنید، می‌توانید اجرا کنید، اولا به شما برای ادامه مذاکرات قدرت می‌دهد، ثانیا طرف مقابل شما حس می‌کند آدمی که روبه‌روی اوست، بی‌اطلاع نیست و اگر جمع‌بندی می‌شود، قدرت این را دارد که درون نظام خود و در سطوح تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری آن را به نتیجه برساند، آن را توجیه کند و در مرحله عمل هم بتواند کار را پیش ببرد». روز گذشته با او درباره ترور سردار سلیمانی به دست آمریکا و به دستور ترامپ، گفت‌وگویی داشتم که می‌خوانید.

چرا ترامپ تصمیم گرفت چنین هدف بزرگی را بزند؟ می‌توانست مواضع کوچک‌تری را مدنظر قرار دهد. تحلیل شما چیست؟

به نظرم آقای ترامپ و هر طرفی که به ترامپ در این موضوع مشورت داد، نتوانسته ابعاد بزرگ پیامدهای این اقدام را در لحظه‌ای که تصمیم می‌گرفته، درک کند. تعبیری که در ابتدای این حادثه تلخ به کار بردم، این بود که ترامپ از خطوط قرمز عبور کرد و قاعده بازی را رعایت نکرد. بنابراین باید پیامدهای این حادثه و اقدام متقابلی را که جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این حرکت طراحی کرده و در زمان مناسب اجرا خواهد کرد، خیلی خوب درک کند. وقتی آقای ترامپ دو شب قبل درباره این اقدام تروریستی که با دستور او انجام شد، خیلی کوتاه صحبت کرد، از چهره او می‌شد دید که چقدر به هم ریخته و از اقدامی که انجام داده وحشت کرده است. به نظرم آقای ترامپ نفهمید چه کار می‌کند و چه پیامدهای سختی را خواهد داشت.

در همین حال اگرچه از نظر همه طیف‌های فکری معتقدند اتفاق بدی از منظر امنیت ملی رخ داده و به بحث انتقام و واکنش تأکید دارند، اما برخی دوستان به منظر دیگری اشاره می‌کنند که در دام مسائلی که به نفع یارگیری‌های منطقه است، نیفتیم. چقدر نگران این قضیه هستید و چقدر اقدام جمهوری اسلامی می‌تواند این مسئله را تشدید کند؟

به نظرم جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته پس از پایان جنگ تحمیلی همواره در عالی‌ترین سطوح در شوراهای عالی امنیت ملی، در تصمیم نهایی که به تأیید مقام معظم رهبری می‌رسد، یک نکته را به‌خوبی رعایت کرده و آن اینکه کشور وارد جنگ و دام‌هایی که دشمنان ایجاد می‌کنند، نشود و به نظرم مسئولان عالی نظام و مقام معظم رهبری کشور را از گردنه‌های خیلی خطرناکی در دهه‌های گذشته عبور داده‌اند؛ چه در جریان اشغال افغانستان به‌دست نظامیان آمریکا، چه در جریان اشغال عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ ازسوی آمریکایی‌ها. بنابراین تجربه‌های مختلفی در مقابل مردم ما و سیاست‌مداران دنیا قرار دارد که ضمن اینکه جمهوری اسلامی ایران مقتدرانه عمل می‌کند و اقدامی را که به معنای واقعی بازدارنده باشد، انجام می‌دهد، درعین‌حال به‌دنبال جنگ و شروع جنگ در منطقه نبوده و نیست. خیلی موافق دوگانه جنگ و صلحی که برخی به آن می‌پردازند، نیستم. اینکه با هر اتفاقی موجی از نگرانی ایجاد می‌شود که یک دام و درگیری جدید به وقوع خواهد پیوست؛ معتقدم با درایت طرف ایرانی، جمهوری اسلامی ایران حداکثر خویشتن‌داری را در کنار حفظ حداکثری اقتدار و امنیت ملی کشور دنبال می‌کند.

کسانی هم که نگران هستند باید این را بدانند که آنچه می‌تواند امنیت ملی کشور را در حد اعلا تضمین کند، حرکت‌های مقتدرانه و درعین‌حال حکیمانه‌ای است که باید جمهوری اسلامی ایران در قبال چنین حوادثی به منصه ظهور برساند.

شما در عراق کار کرده‌اید و عراق ناامن را بسیار دیده‌اید. به واسطه حضورتان در وزارت خارجه و معاونت عربی هم با این کشور سروکار داشته‌اید. عراقی که در آن سردار سلیمانی ترور شد، عراقی با وضعیت بدتر از آنچه قبلا دیده‌ایم، است؟ آینده عراق را با این شرایط چطور می‌بینید؟

من به دلیل مسئولیت‌هایم در وزارت خارجه در دو مقطع در عراق کار کرده‌ام. یک مقطع در دوران حاکمیت حزب بعث و صدام بود که به‌عنوان دیپلمات سه سال در سفارت ایران حضور داشتم؛ از سال‌های ۱۳۷۶ تا اواخر ۱۳۷۹. در آن دوران که حاکمیت حزب بعث و صدام بود، از سال ۲۰۰۳ پس از اشغال عراق توسط آمریکا هم به‌دلیل مسئولیت‌هایی که در وزارت خارجه داشتم، پرونده عراق همیشه یا پرونده مستقیم کاری‌ام بود یا مرتبط با آن. من در دوران عراق تحت حاکمیت صدام با همه جنایت‌هایی که کرد، حضور داشتم. در دوران عراق پس از ۲۰۰۳ میلادی که آمریکایی‌ها آمدند هم بارها از نزدیک با آن مواجه بودم. از زمان اشغال عراق به‌دست آمریکایی‌ها، ناامنی در عراق تشدید شد و واقعا اگر صدام رفت به‌لحاظ وضعیت امنیتی، آمریکایی‌ها هیچ ارمغانی برای مردم عراق نیاوردند، حتی وضعیت را به‌شدت ناامن کردند. در ماه‌های اخیر به‌دلیل اینکه آمریکایی‌ها سیاست‌های مبتنی‌بر آزمون و خطایشان در عراق با ناکارآمدی‌ها و شکست‌های فراوان مواجه شد، بر موج برخی از نارضایتی‌های عمومی و معیشتی در داخل عراق سوار شدند و تلاش کردند سیاست «بی‌دولت‌سازی» را در عراق پیش ببرند. هم‌زمان تلاش کردند تا همین کار را در لبنان هم انجام دهند و پنج سال قبل هم در یمن این کار را انجام داده بودند. با این بی‌دولت‌سازی، ناامنی‌های مدیریت‌شده را تشدید کردند و در سایه بی‌دولت‌سازی عراق و ایجاد یک دولت ضعیف در عراق پس از استعفای عادل عبدالمهدی -که البته بخشی از آن به مطالبات مردم برمی‌گشت و آمریکایی‌ها از این شرایط به‌خوبی سوءاستفاده کردند- توانستند فضایی ایجاد کنند که در قالب این فضاهای به‌هم‌ریخته و نبود یک دولت مقتدر آمریکا بدون اعتنا به حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال عراق، اولا نیروهای حشدالشعبی که نیروها و قرارگاه‌های مبارزه با تروریسم را مدیریت می‌کند، مورد هدف قرار می‌دهد، ثانیا یکی از عالی‌رتبه‌ترین فرماندهان عراقی حشدالشعبی و همچنین قهرمان ملی مبارزه با تروریسم در منطقه، سردار سلیمانی را هدف قرار می‌دهد. من به‌عنوان یک کارشناس معتقدم اگر اقدام مقتدرانه بازدارنده‌ای از سوی منطقه، عراق و جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به گستاخی اخیر آمریکا اتخاذ و عملیاتی نشود، هم منطقه‌ای ناامن‌تر در آینده خواهیم داشت و هم آینده عراق نگران‌کننده‌تر از وضع موجود خواهد بود.

شما به‌واسطه مسئولیت‌تان در حوزه عربی وزارت خارجه، ارتباط نزدیکی با سپاه قدس داشتید که من پیش‌تر در مصاحبه‌ای با شما به این مورد پرداخته‌ام. روایت شما از سردار سلیمانی چیست؟

به‌دلیل ارتباط نزدیک کاری در وزارت خارجه، دستگاه دیپلماتیک و حوزه‌های مرتبط بهترین لقب را برای سردار سلیمانی، قهرمان ملی، سردار صلح و سردار کمک به تأمین حداکثری امنیت ملی کشورم و امنیت منطقه و فراتر از آن قهرمان جهانی مبارزه با تروریسم می‌دانم و معتقدم همه اقدامات سردار سلیمانی تقویت‌کننده امنیت و صلح در منطقه و در ایران بود. من به‌عنوان کسی که از سال ۱۳۷۱ در وزارت خارجه به حوزه کاری مرتبط با حوزه‌های مأموریتی سردار سلیمانی و تقریبا ۲۵ سال از نزدیک با ایشان ارتباط داشتم، می‌گویم سردار سلیمانی فقط یک سردار و ژنرال نظامی نبود، یک سیاست‌مدار و دیپلمات در کنار روحیات معنوی بود که به‌واسطه شخصیت فردی فوق‌العاده‌ای در صحنه‌های نبرد از ایشان یک سردار شجاع ساخته بود. در عرصه‌های سیاست و دیپلماسی با اینکه ایشان دیپلمات نبود، اما مذاکره‌کننده‌ای قوی بود که می‌توانست در مراودات و مذاکرات خارجی خودش مانند یک دیپلمات ورزیده و کارکشته طرف مقابل را متقاعد کرده و به اهداف خودش نزدیک کند. درعین‌حال ذهنی بسیار راهبردی و استراتژیک داشت و مسائل را تا عمیق‌ترین نقاط و افق‌ها تحلیل می‌کرد و همه اینها سردار سلیمانی را منحصربه‌فرد کرده بود. تجربه نشان داده هرکدام از سرداران در ۴۰ سال گذشته به شهادت رسیده‌اند، سرداران دیگری این پرچم را به دست گرفته‌اند اما شخصا معتقدم امثال سردار سلیمانی شاید در هر قرن به عدد انگشتان دست هم نمی‌رسند و از این منظر باید یک بار دیگر تأکید کنم آقای ترامپ قاعده بازی را به هم زد، درک درستی از تصمیمش نداشت و باید پیامدهای سخت این اقدام گستاخانه را تحمل کند.

ما در داخل کشور طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها را داریم. افکار تند راستی درعین‌حال، افکار تند نزدیک به اپوزیسیون که هرکدام با موضوع ترور سردار سلیمانی به شکلی برخورد می‌کنند. این سؤال را می‌خواهم از دل سخنان این طیف مطرح کنم. بالاخره سردار سلیمانی چهره جنگ بوده و جنگ یعنی کسانی کشته می‌شوند و ممکن است فرد غیرنظامی و منطقه غیرنظامی هم درگیر جنگ شود. شاید خاطره‌ای از سردار سلیمانی داشته باشید، در موارد عملیاتی که ممکن است در یک منطقه مسکونی و کشتار افراد بی‌گناه خارج از جنگ محتمل باشد. موضع سردار در چنین مواقعی چه بود؟

سردار سلیمانی و هم‌رزمانش که به ایشان کمک می‌کردند، در تحولات سوریه یا عراق، همواره یکی از خطوط قرمز اساسی‌شان مردم بی‌گناه بودند. این موضوع همیشه مورد تأکید مقام معظم رهبری هم بود؛ یعنی هرجا که از جمهوری اسلامی ایران برای کمک مستشاری درخواست می‌شد، این موضوع را مقام معظم رهبری به مسئولان ذی‌ربط مرتبا تأکید می‌کردند که جزء خطوط قرمز ماست. سردار سلیمانی خیلی درباره این موضوع با دقت عمل می‌کرد و صحنه جنگ را از صحنه غیرجنگ در فرماندهی خودش جدا می‌کرد، نه آن‌گونه که آمریکایی‌ها بزدلانه در نیمه‌شب در بخش عادی فرودگاه و در محوطه داخلی فرودگاه بدون هماهنگی با دولت عراق بدون اینکه جرئت مواجهه و رویارویی داشته باشند، به این شکل بزدلانه با راکت و موشک از هوا خودروی سردار را هدف قرار می‌دهند. سردار جنگ را مردانه در میدان جنگ انجام می‌داد و بین نظامی و غیرنظامی تا حدی تفکیک قائل می‌شد که نه‌تنها زنان و کودکان و افراد بی‌دفاع و غیرنظامی مصون و خط قرمز ایشان و همکارانشان بود، بلکه این رفتار ایشان خوش‌نامی برای سردار و سرداران جمهوری اسلامی ایران و سیاست جمهوری اسلامی ایران و البته حزب‌الله در لبنان ایجاد کرده بود. موردی را که فراموش نمی‌کنم، برایتان بازگو می‌کنم؛ در دوره‌ای که معاون وزارت امور خارجه بودم، بارها اتفاق می‌افتاد آقای دمیستورا، نماینده وقت دبیر کل سازمان ملل در امور سوریه، با من تماس می‌گرفت و می‌گفت فلان شهر که نیروهای مسلح و تروریست هستند، به محاصره ارتش سوریه درآمده، مسلحان و داعشی‌ها می‌خواهند از آنجا خارج شوند و ما آمادگی داریم توافق کنیم که اینها از آن منطقه خارج شوند و شهر را تخلیه کنند. حاضر هستند سلاح‌های سنگینشان را زمین بگذارند، با سلاح‌های سبکشان به شهر دیگری بروند که آن شهر هم در تصرف داعش بود. وقتی ما وارد مراحل تبادل با نیروهای سازمان ملل می‌شدیم، همکار خوب من آقای دمیستورا و نیروهای سازمان ملل طرف تروریست‌ها و مسلحان بودند، ما در این عملیات کمک می‌کردیم به آنها که تروریست‌هایی که سلاح را زمین گذاشته‌اند بتوانند به سلامت خارج شوند و به نقطه دیگر بروند؛ اما وقتی می‌خواستند بروند، رهبران داعش که به خون سردار سلیمانی تشنه بودند و اگر او را گیر می‌آوردند بدتر از شهید حججی با او رفتار می‌کردند، به آقای دمیستورا پیغام می‌دادند که آیا ژنرال سلیمانی تضمین می‌دهد کسی از پشت ما را نزند؟ و واقعا سردار سلیمانی در نگاه اخلاقی خودش نه‌تنها این کار را انجام می‌داد، بلکه بارها می‌دیدم در صحبت با مقامات سوریه و کشورهای دیگر راه‌هایی پیدا می‌کند تا افرادی که می‌خواهند منتقل شوند یا احتمال تسلیم‌شدنشان وجود دارد، با نظر رأفت مواجه و بخشوده شوند. نظر ایشان حتی فراتر از زنان و کودکان و غیرنظامیان بود. آقای دمیستورا هنوز زنده است و می‌تواند شهادت بدهد. ده‌ها مورد این مسئله را داریم که حتی دشمنان به مردانگی و روحیه اخلاقی ایشان و نگاه جمهوری اسلامی ایران احترام می‌گذاشتند و به آن اعتماد داشتند.

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **واقعا دنیای عجیبی شده است؛** مردم نه‌تنها به یکدیگر، بلکه به خودشان هم رحم نمی‌کنند. به هر طرف که می‌رویم و به هرسو که می‌نگریم، آثار و نشانه‌های تقلب، گران‌فروشی، کم‌فروشی، ریا، تزویر، کلاهبرداری و نادرستی را به وضوح می‌بینیم؛ از اجناس تقلبی گرفته تا کالاهای نامرغوب و کم‌دوام با ظاهری زیبا، ولی تقلبی و تقریبا مشابه اصلی، از مواد غذایی گرفته مثل عسل و آبلیمو و ادویه و فلفل و زردچوبه و زعفران تقلبی که این آخری یعنی زعفران را با کاکل ذرت درست می‌کنند! تا اجناس و کالاهای کم‌دوام چینی که شبیه اصلی، ولی بسیار کم‌دوام و نامرغوب و البته برای جذب بازار فروش کمی ارزان‌تر به وفور عرضه می‌شود. واقعا به کجا می‌خواهیم برویم!؟

محمود بلیغیان – اصفهان

● **مشکلات خیابان شکوفه، منطقه ۱۴:** مشکلات ساکنان ناحیه یک، منطقه ۱۴ به شرح زیر است و ساکنان از شهردار منطقه تقاضای رسیدگی به آنها را دارند: ۱ـ وجود تعمیرگاه‌ها در خیابان شکوفه، به‌ویژه مقابل کوچه‌های آزادی و رازی غربی و توقف خودروها در پیاده‌رو مشکل‌ساز شده است که ضرورت دارد همان‌طور که شهرداران قبلی وعده انتقال تعمیرگاه‌ها به منطقه غیرمسکونی را داده بودند، اقدام شود. ۲ـ ساکنان خیابان شکوفه، انتهای کوچه رازی شرقی و عسگری از حضور فروشندگان دوره‌گرد و سمساری‌ها که از صبح تا شب به فاصله پنج الی ۱۰ دقیقه از طریق بلندگو آلودگی صوتی ایجاد می‌کنند. یکی از سبزی‌فروشان که مدتی قبل پلاک خودروی وی هم چاپ شد، برای مدتی کوتاه پیدایش نبود، اما دوباره اقدام به کار غیرقانونی‌اش می‌کند و از ساکنان، بیماران، سالمندان و کودکان سلب آسایش می‌کند. ۳ـ سدمعبر فروشندگان میوه که با وانت‌بار در حاشیه خیابان شکوفه توقف می‌کنند و با این کارشان باعث ترافیک و راهبندان خیابان می‌شوند.

فرخی‌پور

● **تلفن گویای ۱۱۹ را تنظیم کنند:** پیش از این که برای اطلاع از ساعت تلفن گویای ۱۱۹ را می‌گرفتیم، بلافاصله ساعت رسمی کشور اعلام می‌شد، اما اکنون هم تقویم و هم ساعت با دو صدای متفاوت زیر و بم اعلام می‌شود و مفهوم نیست.

افسانه